

سنجش میزان تحقق مؤلفه‌های رویکرد انسانگرا در محلات قدیم و جدید شهری (مطالعه موردی: محله‌های ناسار و ارم شهر سمنان)

دکتر علی اکبر سالاری پور*، مهندس بنیامین حسن‌زاده باغی**، مهندس سحر نظری***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

چکیده

محله‌ها جزئی جدایی ناپذیر از ساختار زندگی اجتماعی شهروندان هستند و با وجود نیازهای مختلف انسان در محلات شهری، باید در برنامه‌ریزی‌های شهری از رویکردهای جدیدی استفاده نمود که شهرسازی انسانگرا یکی از آنهاست. این پژوهش با تکیه بر روش‌های کمی و توزیع پرسشنامه میان شهروندان به دنبال سنجش میزان تحقق مؤلفه‌های رویکرد انسانگرا در محلات ناسار و ارم شهر سمنان به عنوان محلات قدیم و جدید شهری انجام شده‌است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میزان تحقق مؤلفه‌های رویکرد انسانگرا در سطح محلات ناسار و ارم وجود دارد و بر خلاف ذهنیت موجود در انسانگراتر بودن محلات قدیمی، میزان رضایت ساکنین از مؤلفه‌های رویکرد انسانگرا در محله ارم مطلوب‌تر از محله ناسار است و نشان دهنده توجه اندک مدیریت شهری به محلات قدیمی در برنامه‌ریزی‌های شهری است. همچنین مدل ساختاری مسیری پژوهش، نشان می‌دهد، مؤلفه «امنیت و ایمنی» بیشترین تاثیر را بر میزان تحقق رویکرد انسانگرا دارد.

واژه‌های کلیدی

رویکرد انسانگرا، محله شهری، سمنان، محله قدیم، محله جدید.

* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. (مسئول مکاتبات)
 ** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.
 *** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

Email: salaripour@guilan.ac.ir

Email: benyaminhasanzade76@gmail.com

Email: sahar77.nz@gmail.com

۱-۱- مقدمه

وجود شهرها و در سطحی کوچکتر محله‌های شهری، از دستاوردهای بشر و معلول خواسته‌های انسان در طول تاریخ است. محله مفیاس فضایی است که انسانها در آن احساس در خانه بودن دارند و می‌توانند در زندگی روزمره با سایر ساکنین تعامل چهره به چهره داشته باشند. محلات خود متشکل از مکان‌هایی هستند که ساکنین به آن احساس دل‌بستگی پیدا می‌کنند (سالاری‌پور، ۱۳۹۷). شکل‌گیری روابط انسانی در محله‌های شهری تنها وابسته به ویژگی‌های اجتماعی و هویتی آنها نیست، بلکه ایجاد شرایط محیطی مناسب برای حضور انسان در فضا جزئی مهم از محله‌های انسان‌گرا می‌باشد.

محله جایی است که باید تجربه زندگی در آن شکل گیرد و فضاها و محیط کالبدی مناسب پیش‌نیاز شکل‌گیری چنین تجربه‌ای هستند اما در کنار آن ادراک از امنیت، سبک زندگی خانواده و سایر عوامل اجتماعی تأثیر زیادی بر نحوه تجربه محله توسط کودکان و بزرگسالان دارند. نحوه برهم‌کنش این شرایط اجتماعی با شرایط کالبدی محله در نهایت تعیین‌کننده این است که محله‌های شهری چه میزان انسان‌گرا هستند.

تیبالدز (۱۳۸۹، ۴۷) باور دارد که «شهر و نواحی شهری به خاطر انسان هاست که وجود دارند. موجودیت آنها به دلیل خودروها و یا پروژه‌های ساخت و ساز عظیم نیست. اما به هر حال زمانی که انسان در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک پرسه می‌زند، این مسئله بلافاصله خود را بر او نمایان نمی‌کند. بنابراین به یافتن راه‌هایی نیاز است که به کمک آنها بتوان کیفیت‌های انسانی را به نواحی شهری ارزانی داشت.» به همین دلیل در جهت شناخت شهر و محله، باید به مسئله انسان‌شناختی توجه اساسی نمود.

در طی دوران گذشته، نظریه و عمل برنامه‌ریزی رابطه‌ای دوسویه با موضوع انسانی داشته‌است. از یک سو، نظریه‌پردازان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی نگرانی‌های مکرری را مطرح کرده‌اند که مفهوم پیشرفت که سازمان برنامه‌ریزی را هدف قرار می‌دهد، موضوع انسانی را به حاشیه رانده و شکست مداوم برنامه‌ریزی را برای پاسخگویی مناسب به نیازهای اساسی انسان پنهان کرده‌است. از طرف دیگر، در بخش‌های وسیعی از برنامه‌ریزی‌ها و علوم اجتماعی، موضوع انسانی هم در تئوری و هم در عمل در نظر گرفته نمی‌شود (Good et al., 2017).

شهرسازی مدرنیستی، بدون توجه به ابعاد مختلف زندگی و پیوندهای احساسی انسان با مکان و تنها با هدف تأمین نیازهای عملگردهای منجر به توسعه محلاتی شده‌است که از لحاظ کیفیاتی چون هویت، تنوع محیطی، انسجام اجتماعی و خوانایی در سطح پایین‌تری بوده و محیط آنها عمدتاً برای کاربران سواره پیشبینی و برنامه‌ریزی شده‌اند (دانشپور و سالاری‌پور، ۱۳۹۶). عدم توجه به موضوع محله به‌عنوان یک واحد زنده و پویای اجتماعی، باعث شده افراد و گروه‌ها حق انتخاب خود را از دست داده و در عرصه اجتماعات کوچک به صورت افرادی منفعل درآیند. در حالی که شکل‌گیری واقعی، محله امکان حضور مردم را در حوزه‌های عمومی فراهم می‌کند (براتی، ۱۳۹۱).

نادیده گرفته شدن نیازهای انسانی در اواخر قرن بیستم، سبب انتقادات و نگرش‌های منفی به مدرنیسم و شهرسازی مدرن گردید. بنابراین در دهه ۱۹۷۰ میلادی با تغییر پارادایم قدیم (فن‌گرایانه) و خلق پارادایم جدید (انسان‌گرایانه) و ایجاد مفاهیم جدیدی همچون پست‌مدرنیسم و به دنبال آن مفاهیم توسعه پایدار، جنبش محیط‌زیست، توسعه بشری (انسانی) و توسعه فرهنگی، تلاش‌هایی

برای بازپس‌گرفتن شهر و محله‌های شهری از خودرو و تحویل آنها به انسان صورت گرفته‌است. نتیجه این تلاش‌ها، سبب ظهور دیدگاه‌های جدیدی همچون «شهرسازی شهروندگرا»، «شهرسازی انسان‌گرا» یا «شهرسازی انسان‌محور» شده‌است. این دیدگاه تنها به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه نداشته، بلکه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و جنبه‌های انسانی فضاهای شهری نیز اهمیت می‌دهد. البته مقصود از شهرسازی و شهر انسان‌گرا، یک شهر بدون خودرو نیست. زیرا خودرو به دلیل تسهیلاتی که برای انسان و شهروندان فراهم می‌آورد، گاهی ضروری و لازم هم هست، بلکه مسئله نحوه استفاده منطقی و معقول از خودرو است تا جایگاه انسان در فضاهای شهری کم‌رنگ نشود.

در گذشته شرایط اجتماعی و کالبدی در محله‌های سنتی در تطابق با هم و مکمل یکدیگر بوده‌اند تا محله‌های انسان‌گرا پدید آیند. اما با فرسودگی محیطی در محله‌های قدیمی و همچنین تغییرات بافت اجتماعی ناشی از جابجایی گروه‌های جمعیتی میزان تطبیق این محله‌ها با مولفه‌ها و شاخص‌های انسان‌گرایی روز به روز کمتر شده‌است. از سوی دیگر توسعه پراکنده (به جای میان‌افزا) شهرها سبب ایجاد محله‌هایی شده‌است که به لحاظ امکانات محیط کالبدی، میزان امنیت و ایمنی در سطح مطلوبی قرار دارند. اما میزان روابط همسایگی، تعاملات اجتماعی و هویت کالبدی و اجتماعی در آنها مطلوب نیست. لذا از یک طرف بی‌توجهی به فرسودگی محله‌های قدیمی و از طرف دیگر عدم ترویج الگوی زندگی و سکونت اجتماعی و منطبق بر تاریخ و هویت ایرانی در محله‌های جدید سبب تغییر نگرش و ادراک شهروندان نسبت به محله شده‌است. به گونه‌ای که تعریف معنایی محله‌های انسانی نزد شهروندان تغییر نموده و کیفیت روابط اجتماعی و همسایگی از نظر بسیاری از ساکنین دیگر شاخصی برای مطلوبیت یک محله شهری نیست.

در سال‌های اخیر، حرفه برنامه‌ریزی شهری در تلاش برای ارتقاء محیط‌زیست شهری با توجه به نیازهای شهروندان است و شکل‌گیری رویکرد انسان‌گرا در برنامه‌ریزی شهری، توجه به نیازهای انسانی را خاطر نشان می‌سازد (امانپور و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین با توجه به مشکلات مطرح شده، پرداختن به این موضوع در محله‌های شهر ایرانی اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال سنجش و ارزیابی میزان تحقق مولفه‌های رویکرد انسان‌گرا در محله ناسار (محله قدیم) و محله ارم (محله جدید) شهر سمنان در راستاء نگرش ساکنین به محله انسان‌گرا است. در شهر سمنان می‌توان محلات را در دو گروه طبقه‌بندی نمود. گروه اول، محله‌های جدید و نوپنیا که در نیمه شمالی که محله ارم نیز جزء این محلات محسوب می‌شود که دارای بافت مسکونی منظم است و گروه دوم، محلات قدیمی و سنتی که در نیمه جنوبی شهر واقع شده‌اند که محله مطالعاتی ناسار، یکی از محلات هفت‌گانه قدیمی شهر سمنان (محله‌های لتیبار، اسفنجان، زاوغان، شاهجو، ناسار، کدیور و کوشمغان) و دارای ریشه‌های سکونتی ارزشمند با غنای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است. با توجه به اهمیت موضوع و بیان مسئله پژوهش، سؤالات ذیل مطرح شده‌اند:

۱) کدام یک از محله‌های هدف شهر سمنان براساس رویکرد انسان‌گرا شکل گرفته‌اند؟

۲) میزان رضایتمندی ساکنین محله قدیم (محله ناسار) براساس مولفه‌های رویکرد انسان‌گرا در چه سطحی قرار دارد؟

۳) میزان رضایتمندی ساکنین محله جدید (محله ارم) براساس مولفه‌های رویکرد انسان‌گرا در چه سطحی قرار دارد؟

پیشینه و سوابق پژوهش

در سال‌های گذشته پژوهش‌هایی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته‌اند که در ذیل به آنها اشاره شده‌است:

رجبی و مقدس‌برستی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت‌عنوان «بررسی جایگاه انسان در شکل‌گیری سکونتگاه‌های شهری با تأکید بر شهر انسان‌محور»، اشاره می‌کنند که تمامی تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای برطرف شدن نیازهای انسان در چهارچوب ظرفیت‌های محیطی شکل می‌گیرد. همچنین، نتیجه بررسی‌های صورت گرفته این‌گونه است که باید به دنبال بازشناسایی هویت انسان در شهر، ایجاد و افزایش حس تعلق شهروندان به شهر، رعایت و توجه به مقیاس انسانی و درنهایت گسترش مفهوم شهر انسان‌محور بود.

در پژوهشی تحت‌عنوان «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در محلات بافت جدید و قدیم شهری (مطالعه موردی: محله شهرک قدس و قطارچیان شهر سنندج)»، نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل، فرضیه پژوهش مبنی بر مطلوب‌تر بودن کیفیت زندگی در بافت جدید نسبت به بافت قدیم تأیید شد و میزان تفاوت رضایتمندی ساکنان دو محله را مشخص نمود و نشان داد که برنامه‌ریزی‌های انجام شده، تأثیر چندانی نداشته و سبب افزایش رضایتمندی ساکنین از بافت قدیم و محیط مسکونی آنان نشده‌است (**احمدی و نادریکروندان، ۱۳۹۲**).

امانیپور و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت‌عنوان «سنجش شاخص‌های رویکرد انسان‌گرا در برنامه‌ریزی محلات نوبنیاد تبریز (مطالعه‌موردی: محله یاغچیان)» به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد محله مطالعاتی از منظر شاخص‌های اجتماعی (مانند تعلق و حس انسجام اجتماعی) و فضاهای همگانی (احساس امنیت و استفاده از عناصر زیست‌محیطی) در سطح مطلوب و از نظر شاخص‌های منظر شهری و دسترسی، نسبتاً مطلوب و از نظر شاخص‌های کالبدی و کاربری زمین (مانند اختلاط کاربری) در وضعیتی متوسط بر اساس رویکرد شهرسازی انسان‌گرا قرار دارد.

زرافشان و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی محلات انسان‌محور با تأکید بر مولفه‌های پیاده‌محوری و اختلاط کاربری اراضی (نمونه موردی: بافت‌های سنتی، مدرن، خودرو کلان‌شهر تبریز)» بدین نتیجه رسیدند که میزان اختلاط کاربری در محلات سنتی نسبت به محلات بافت‌های مدرن و خودرو بیشتر است، دوماً بین میزان کاربری مختلط و تمایل به دسترسی پیاده به کاربری‌های دیگر در محلات سنتی هم‌بستگی بسیار مناسبی وجود دارد. از این رو محلات سنتی با وجود مسائل و مشکلاتی که دارند، به دلیل دسترسی پیاده ساکنان به نیازهای خود و تنوع عملکردی از عملکرد نسبتاً مطلوب محله‌ای برخوردار هستند.

در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تأثیر شهروندان بر کیفیت زندگی محلات شهری با تأکید بر جنسیت، (مطالعه موردی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان)»، نتایج پژوهش نشان داد که در محله کارمندان و اسلام‌آباد میانگین شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی متفاوت بوده، اما در هر دو محله میانگین شاخص‌های مشارکت در امور محله و اوقات فراغت کم‌تر از میانگین متوسط بدست آمده است. همچنین شاخص‌های کیفیت محیط کالبدی در محله کارمندان در سطح مطلوبی قرار داشته و در مقابل میانگین شاخص‌های تسهیلات مسکن و امکانات اوقات فراغت کم‌تر از متوسط میانگین به‌دست آمده است. در محله اسلام‌آباد شاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی، امنیت تردد و وضعیت دفع زباله بیشتر از میانگین و در سطح پایینی از لحاظ این شاخص‌ها نسبت به محله کارمندان قرار دارد (**فنی و نجفی، ۱۳۹۷**).

در پژوهشی با عنوان «ارزیابی شاخص‌های تعلق مکانی ساکنان بافت قدیم شهر کاشان» نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که بافت قدیم شهر کاشان در حال حاضر بیانگر هویتی نیست که از ابتدا برای آن تعریف شده و تصویر ذهنی‌ای که از این بافت در ذهن ساکنان نقش بسته‌است، به دلیل وضعیت نابسامان و برنامه‌ریزی نشده، بسیار آشفته است و خوانایی، ابعاد زیباشناختی، بافت، مقیاس، مصالح، شکل بافت که از مشخصه‌های اصلی سازنده هویت است، در این بافت رعایت نشده است. بافت نه در عمل و نه در ذهن ساکنان، هویت مطلوبی ندارد و نتوانسته است حس تعلق خاطر را با افراد ایجاد نماید (**سرای و همکاران، ۱۳۹۵**).

مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های محله، رضایت و رفاه محله: پیوند با محرومیت محله» در سال ۲۰۲۰ انجام شده‌است که یافته‌های مربوط به ویژگی‌های کالبدی محله نشان می‌دهد، ویژگی‌های محله درک شده - که توسط ساکنان آنها ارزیابی شده است - با محرومیت محله ارتباط منفی دارد. این نتایج نشان می‌دهد شاخص‌هایی همچون ایمنی، پاکیزگی، کیفیت زیبایی‌شناختی و دل‌بستگی به مکان کمتر درک می‌شوند. رضایت محله و پاسخ عاطفی به محله در محله‌های محروم کمتر است. به‌طور کلی، شواهد حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که حتی زمانی که فضای سبز، حمل‌ونقل عمومی و امکانات محلی به طور مساوی توزیع شده‌اند، ساکنان محله‌های محروم ممکن است همچنان سطوح پایین‌تری از رضایت محله و واکنش عاطفی کمتری نسبت به محله را به دلیل تفاوت‌ها در کیفیت‌های محله تجربه کنند (**Mouratidis, 2020**).

در پژوهشی تحت‌عنوان «داستان دو جامعه: برداشت ساکنان از محیط ساخته شده و سرمایه اجتماعی محله» به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد، جنبه‌های ادراک ساکنان از محیط ساخته شده، به‌ویژه ایمنی و پیاده‌روی درک شده، تا حدی نتیجه تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص محله‌های سنتی و جدید است (**Oidjarv, 2018**).

در مقاله‌ای با عنوان «طراحی‌های انسان‌محور، ویژگی‌های خیابان‌های شهری و ادراکات پیاده» بیان شده است که وجود امکانات مطابق با نیاز انسان سبب می‌شود که میزان رضایت افراد از محیط به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. طراحی انسان‌محور یک امر ضروری محسوب می‌شود و باید در درجه اول به خواسته‌های انسان در شبکه معابر، خیابان‌ها و مسیرهای دوچرخه اهمیت داده شود (**Choi et al., 2015**).

با نگاهی کلی به پژوهش‌ها و مطالعات پیشین می‌توان گفت که در اکثر این پژوهش‌ها پیش فرض اصلی، انسان‌گرا تر بودن محلات قدیمی است که البته در بعضی موارد این فرضیه، با در نظر گرفتن شاخص‌هایی رد یا تأیید شده‌است. حال پژوهش حاضر با سنجیدن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های محیطی، اجتماعی در محلات قدیم و جدید در تلاش است به این پاسخ برسد که نگرش ساکنین به یک محله انسان‌گرا چیست و آیا این نگرش ساکنین در محله قدیم شهری در طول زمان تغییر کرده‌است یا خیر؛ به عبارتی دیگر، آیا محلات قدیمی در مقایسه با محلات جدید که در گذشته انسان‌گرا بودند، در زمان حال نیز انسان‌گرا هستند.

ادبیات و پارچوب نظری پژوهش

فضای شهری

فضای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها و به عنوان تبلور ماهیت زندگی جمعی هستند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور

شد که شهرسازی را بر مبنای یک پژوهش جامعه‌شناسانه بنیاد نهد. بدین دلیل، شیوه او بسیار نزدیک به روش «پاتریک گدس» است. به گفته پوئت، «از طریق مردم شهر است که می‌باید به شهر نگریست و برای شناخت یک شهر، می‌باید مردمان را شناخت؛ یک شهر حاصل وجود افراد است.» (شوای، ۱۳۹۷، ۳۵۰-۳۵۲).

لوئیس مامفورد^۳ که به گفته خود، بسط‌دهنده ایده‌های پاتریک گدس بود را می‌توان جزء اولین نظریه‌پردازانی دانست که در نیمه اول قرن بیستم بر ایجاد امنیت، حس مکان و مقیاس انسانی در فضاهای شهری توجه نمود. او در کتاب «فرهنگ شهرها» از شهر به عنوان مکان تبلور فرهنگ و شخصیت نوین انسانی نام برده و به مفهوم انسان‌گرایی، تنوع و اختلاط کاربریها در فضای شهری اشاره کرده‌است (کاشانی جو، ۱۳۸۹). لوئیس مامفورد، شهر را مکانی حساس می‌داند و معتقد است که اگر به انسان و آرزوهای انسانی در شهر توجه نشود، وحدت اجتماعی و شهری از بین خواهد رفت.

انسان‌گرایی یا اومانیزم دیدگاهی است که اهمیت ویژه‌ای برای انسان قائل است. پیدایش این واژه به دورهٔ رنسانس، زمانی که مردم از سوءاستفاده کلیسا از جایگاه آسمانی و الهی، آگاه و برای بازپس گرفتن حقوق خود مدعی شدند، باز می‌گردد. در آن دوران، انسان‌گرایی مفهومی خداس‌تیز پیدا نمود و به نفی چیزهایی پرداخت که به منافع انسان آسیب میزد (منصوری، ۱۳۹۲). تیبالدز معتقد است جهت دستیابی به شهر مردم‌پسند و انسان‌محور، اطمینان از اینکه تنوع و حق انتخاب در دسترسی به فعالیت‌ها و مکانهای مختلف برای تمام بخش‌های اجتماع فراهم شده باشد، اهمیت بسزایی دارد و نواحی شهری نباید تماماً در بند ارضاء نیازهای سواره‌ها باشند (تیبالدز، ۱۳۸۹، ۶۹).

شناخت نیازهای انسان

در زمینه برنامه‌ریزی «انسان‌گرا»، کلمه «انسان» گروه‌های مختلفی از مردم را شامل می‌شود: عابر پیاده، دوچرخه‌سوار، افراد معلول و افراد مسن. هر گروه خواسته‌های خاص خود را با توجه به طراحی محیط شهری دارند. عابران پیاده پیاده‌روهای وسیع‌تری می‌خواهند، دوچرخه‌سواران مسیرهای اختصاصی دوچرخه‌سواری می‌خواهند، افراد معلول مشتاق داشتن شبکه‌های خیابانی قابل‌دسترس هستند. هنگام جستجوی راه‌حل، برنامه‌ریزان شهری باید اطمینان حاصل کنند که منافع همه گروه‌ها متعادل باشد (Choi et al., 2015). مامفورد فرض می‌کرد که یک شهر گروهی از سلول‌ها است. وی معتقد بود که محله و نه خیابان یا ساختمان واحد واقعی برنامه‌ریزی است. هنگامی که شهری توسط محله‌ها برنامه‌ریزی و ایجاد می‌شود، فضای انسجام و وحدت بصری را حفظ می‌کند و تأکید کرد که برنامه‌ریزان باید محله را بر اساس درک عمیق جامعه‌شناختی از نیازهای گروه اصلی خانواده‌ها و همسایگان و شخصیت‌های کلیدی آن یعنی مادر و کودک برنامه‌ریزی کنند (Akimoto, 2009). ساخت تصاویر جمعی شهروندان با تقویت حافظه جمعی آنها و در نتیجه ارضاء آرزوها و انتظارات آنها، ابزاری مهم در تقویت ارتباطات انسان با مکان‌ها و جامعه است. اساساً این فضاها دارای محیط مسکونی و فعالیت‌های رخ داده در آن هستند که باید ارتباطات انسان با مکانی را فراهم کنند. نیاز اساسی هر فرد به تعامل انسان با مکان، چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی، ارتباطات او با ابعاد تاریخی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فلسفی و طیف نمادین ارتباط او با جهان یا سایر جهان‌های مربوط به زیست‌شناسی او بستگی دارد و ماهیت روان‌شناختی، رشد

دارند و صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند. فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به تمامی شهروندان تعلق داشته، محدود به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا پیدا می‌کنند (کاشانی جو، ۱۳۸۹). فضای شهری نتیجهٔ عملکردهای رفتار انسانی با ابعاد اجتماعی و عمومی است. الگوی «عملکرد» فعالیت‌های اجتماعی، نتیجه و حاصل نظام تعاملی میان اجتماع و فرهنگ جامعه است و نیروهای به وجود آمده از تعامل میان اجتماع و فرهنگ جامعه، در صورتی که فضایی مدنی موجود باشد، منجر به تولید فضای شهری می‌شوند (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۷). وجود تنوع در فضاهای شهری از طریق روابط اجتماعی خوب به رفاه انسان کمک می‌کند، پس با درک ویژگی‌های فضاهای شهری و مؤلفه‌های رفاه انسانی میتوان به برنامه‌ریزی و طراحی مطلوب این فضاها کمک نمود (Reyes-Riveros et al., 2021). بنابراین، فضای شهری می‌تواند از طریق درک پیچیدگی و تداوم تعاملات بین فضاها و جوامع، مفهوم‌سازی شود (Ammar sharif, 2020).

مفهوم محله

محله یک منطقه مسکونی است که تعامل چهره به چهره قابل توجهی دارد و براساس ویژگی‌های جسمی و اجتماعی متمایز است (Smith, 2010). محله قسمت‌های نسبتاً بزرگ از شهر هستند و باید دارای خصوصیات یک دست و مشابه باشد تا ناظر بتواند به آن وارد شود (لینچ، ۱۳۹۲، ۱۲۳). محله محدودهای جغرافیایی - اجتماعی است که دارای پیوستگی اجتماعی بوده و عمدتاً کالبدی پیوسته نیز دارد که مرز و حدود آن تابع ویژگی‌های کالبدی؛ از جمله ساختار کالبدی بناها و ساختمان‌ها و شکل بصری آنها، نوع دسترسی‌ها و وضعیت توپوگرافی طبیعی آن و ویژگی‌های فردی و جمعی ساکنین مانند روابط اجتماعی، فرهنگ، تجارب است (حسینی و سلطانی، ۱۳۹۷). در بسیاری از شهرهای مدرن، یک یا چند پارامتر اجتماعی در سطح محله وجود دارد. متداولترین این پارامترها قومیت یا نژاد، محل تولد، شغل و طبقه اجتماعی است (York et al., 2010). بنابراین ساکنان محله غالباً دارای یک یا چند ویژگی اجتماعی هستند و این ویژگی‌ها اغلب ساکنان یک محله شهری را از دیگری متمایز می‌کند (Smith, 2011). خصوصیات محله ممکن است برای افراد مختلف دارای ارزش و معنی متفاوتی باشد و طبیعتاً افراد ویژگی‌های خاص محله را بر سایر ویژگی‌ها ارجح می‌دانند. با این حال، از آن جهت که خصوصیات اساسی فیزیکی محله، مانند فضای سبز و قابلیت دسترسی به حمل‌ونقل و ویژگی‌های درک‌شده محله، مانند ایمنی و سروصدا، همه با رفاه مرتبط هستند (Mouratidis, 2020; Ulmer et al., 2016). رضایت از محله ممکن است، حداقل تا حدی، واسطه رابطه بین ویژگی‌های محله و رفاه باشد. نابرابری در چنین ویژگی‌های محله‌ای، ممکن است منجر به نابرابری در رفاه شود (Marans & Stimson, 2011, 17).

مفهوم انسان‌گرایی در شهرسازی

مطالعه آثار پژوهشگران و شهرسازان نشان می‌دهد که در دوران گذشته به مفهوم انسان و شهر انسانی پرداخته شده‌است. یکی از این افراد، پاتریک گدس^۱ است که همواره به بررسی آینده اجتماعات انسانی از دید تحول‌گرایانه پرداخته‌است. او باور داشت که باید زندگی شهر، ساکنانش و روابطی که آنها را به هم پیوند می‌دهد، بررسی کرد. همچنین، مارسل پوئت^۲ که شیوه حیات‌گرایانه‌اش در مورد شهر باعث

رکن فضا محسوب می‌شود، برنامه‌ریزی شود (هاشمی و قانع‌پور، ۱۳۹۵).

مازلو سلسله مراتب نیازهای انسانی را به پنج قسمت تقسیم کرده است و معتقد است کیفیت محیط زندگی، جزء نیازهای اساسی انسان است. این طبقه‌بندی به ترتیب در شکل ۱، نمایش داده شده است: در جدول ۱، برخی از تفاوت‌های موجود برنامه‌ریزی شهری با رویکرد انسان‌گرا و بدون رویکرد انسان‌گرا توسط ایزدی و همکارانش بیان

فکری، در پیچیدگی‌ای است که در آن زمان و مکان به طور عادلانه و هم‌زمان بیان می‌شوند. بنابراین، آنچه الگوی یک جامعه خاص است، مجموعه‌ای از ارزش‌ها با اعتبار خاص برای «توافق جمعی» است که فعالیت‌های عملی جامعه را توجیه میکند (Pereira & Alves, 2011). برای دستیابی به یک مکان شهری جذاب، فضا باید به شکل مناسبی محصور شود و عناصر محصورکننده فضا مانند عناصر شهری که در طراحی شهری مؤثر هستند باید براساس این اصل که انسان مهم‌ترین



شکل ۱. هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو (Maslow, 1968)
Figure 1. Maslow's hierarchy of needs (Maslow, 1968)

جدول ۱. مقایسه برنامه‌ریزی شهری با رویکرد انسان‌گرا و بدون رویکرد انسان‌گرا (Source: Izadi et al., 2021)

Table 1. Comparison of urban planning with Human-centered approach and without Human-centered approach (Source: Izadi et al., 2021)

بدون رویکرد انسان‌گرا	با رویکرد انسان‌گرا
برنامه ریزی متمرکز	برنامه ریزی غیر متمرکز
احترام به فرم	احترام به فرآیند و فرم
برنامه ریزی بر اساس ایده ها و علایق شخصی	برنامه ریزی مبتنی بر سود عمومی و ارزش های پایدار
کارایی سنتی	عملکرد انسان بر اساس نیازهای روحی و روانی
مشارکت مقامات سیاسی	مشارکت شهروندان
شهری با ابتکارات شخصی	شهر با نوآوری اجتماعی

جدول ۲. مولفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

Table 2. Components and indicators used in the research

مؤلفه	شاخص	نظریه پردازان اصلی
اجتماعی	همبستگی اجتماعی، مشارکت مردم، حس تعلق ساکنان محله	جیکوبز ^۴ راپاپورت ^۵
خدماتی	تاسیسات مناسب، خدمات عمومی مناسب، امکان خدمات‌رسانی در شرایط اضطراری	کارمونا ^۶ و ماگالهایس ^۷
طراحی	نشانه های بارز شهری، جانمایی و کیفیت مبلمان شهری، فضای باز مناسب	لینچ ^۸
کالبدی	کیفیت مسکن، رضایت کالبدی	اپلیارد ^۹ گلاستر و هسر ^{۱۰}
سرزندگی	فرصت های سرگرمی، بروز فعالیت های مختلف، تنوع کاربران(گروه های مختلف سنی)، پیاده مداری، اختلاط کاربری ها	اپلیارد و جیکوبز ^{۱۱} بارکر ^{۱۱}
زیست محیطی	میزان آلودگی ها (دیداری، شنیداری و...)، فضای سبز مناسب، پاکیزگی محیط، وضعیت جمع آوری زباله	بنتلی ^{۱۲}
ایمنی و ایمنی	میزان ایمنی در برابر خطرات، خوانایی فضا، میزان امنیت در برابر جرم و...، کیفیت نورپردازی	کارمونا ^{۱۳} کوپر ^{۱۳}

شده است.

در جدول ۲، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به کار گرفته شده در پژوهش حاضر نمایش داده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، قواعد و ابزارهای سازمان یافته جهت کشف مجهولات و دستیابی به هدف پژوهش است. پژوهش حاضر، بر مبنای هدف «کاربردی» و بر مبنای شیوه نگرش «توصیفی-تحلیلی» است. در روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش میدانی (پیمایشی) استفاده شده است. بر این اساس پس از استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از پرسش‌نامه بسته (نوعی از مطالعات پیمایشی) و به کارگیری مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از ساکنین محله‌های هدف نظرسنجی شده است. در گام بعد، داده‌های حاصل از پرسش‌نامه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل گرفته‌اند. از نرم‌افزار spss، در بخش آمار توصیفی پژوهش از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین استفاده شده و در بخش آمار استنباطی از آزمون آماری یومن ویتنی و آزمون فریدمن برای سنجش سطح مؤلفه‌ها و شاخص‌های انسان‌گرایی در محلات مطالعاتی استفاده شده و همچنین از روش تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین ضریب اهمیت مؤلفه‌های انسان‌گرایی در محلات قدیم و جدید استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی برای تحلیل روابط میان مؤلفه‌ها از مدل‌سازی مسیری PLS با کمک نرم‌افزار Smart PLS بهره برده شده است. برای محاسبه پایایی سؤالات پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرون‌باخ استفاده گردید که میزان پایایی آن برابر با ۰/۹۱ و در سطح بسیار مطلوبی است.

روش نمونه‌گیری بصورت تصادفی ساده انجام شده و حجم نمونه آماری به این شرح برآورد شده است: روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری، تا حد زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چندمتغیره مشابه است، بنابراین می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری جهت به دست آوردن حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده کرد (هومن، ۱۳۸۴، ۲۲). در رابطه ۱، q تعداد متغیرهای مشاهده شده یا تعداد گویه‌ها (سؤالات) پرسش‌نامه

و n حجم نمونه است. با توجه به مباحث مطرح شده، در این پژوهش با وجود ۲۴ متغیر (گویه) و با در نظر گرفتن ۱۲ مشاهده به ازاء هر متغیر، حجم نمونه آماری ۲۸۸ نفر برآورد شده است که از نظر علمی، این تعداد مطلوب و قابل قبول است. اما حجم نمونه آماری در پژوهش حاضر، به طور کلی ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است که از این تعداد، ۱۵۰ نفر در محله قدیم (ناسار) و ۱۵۰ نفر در محله جدید (ارم) مورد پرسش قرار گرفتند.

$$5q \leq n \leq 15q$$

رابطه ۱

مدل مفهومی پژوهش

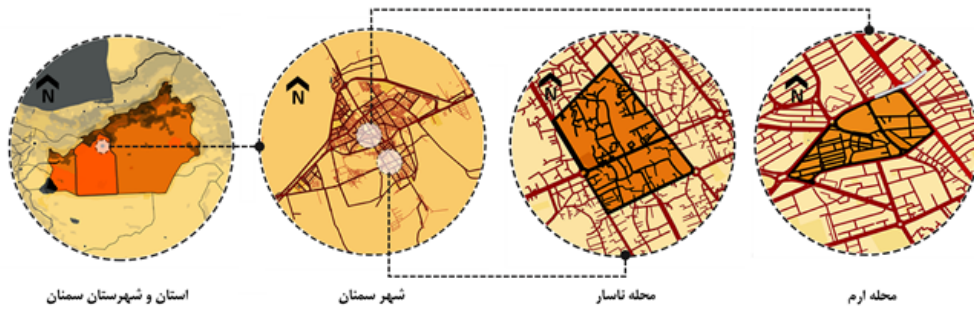
بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده، مؤلفه‌ها و شاخص‌های رویکرد انسان‌گرا در محلات شهری مطابق شکل ۲، استخراج شده است. در این پژوهش، هفت مؤلفه (اجتماعی، خدماتی، طراحی، کالبدی، سرزندگی، زیست محیطی، امنیت و ایمنی) و با حذف چهار شاخص به دلیل آلفای کرون‌باخ کمتر از ۰/۷، مجموعاً ۲۴ شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شناخت محدوده مطالعاتی

در این پژوهش، دو محله ناسار و ارم در شهر سمنان به ترتیب به عنوان محلات قدیم و جدید مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. محله ناسار سمنان با جمعیتی تقریبی ۳۲۰۰ نفر از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین محلات شهر سمنان به شمار می‌رود و در گذشته مرکز شهر بوده و بدلیل قدمت بالای این محله و بافت خاصی که در محله ناسار به نسبت سایر محلات قدیمی شهر و همچنین وجود بناهای ارزشمند و تاریخی مانند مسجد جامع، میدان تیرانداز، راسته بازار و قرارگیری بازار سنتی و تاریخی شهر در این محدوده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین محله ناسار به عنوان نماینده محلات قدیم شهر انتخاب شد. محله ارم سمنان یکی دیگر از محلات مطالعاتی با دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۱۳۲۰ نفر، از محله‌های جدید و نوبنیاد و دارای بافتی منظم و شطرنجی است. از دلایل انتخاب این محله در مقایسه با سایر محلات جدید شهر، می‌توان به دسترسی مناسب به سایر محلات و مرکز شهر و برخورداری از یک سطح کیفیت زندگی متعادل و وجود فعالیت‌های



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش
Figure 2. Conceptual framework of research



شکل ۳. نقشه موقعیت محدوده‌های مطالعاتی پژوهش
Figure 3. Location map of study areas

جنسیت، سن، میزان تحصیلات و مدت اقامت در محله است. در جدول ۳، مشخصات توصیفی ۳۰۰ نفر از ساکنین به تفکیک محلات ناسار و ارم شهر سمنان بصورت دموگرافیک نشان داده شده‌است. با توجه به داده‌های جدول ۴ می‌توان گفت: میانگین امتیازات شاخص‌های مؤلفه اجتماعی در دو محله ناسار و ارم از حد متوسط (عدد سه) بیشتر است. در محله ناسار میانگین امتیاز ساکنین به شاخص «همبستگی اجتماعی» بیشتر از محله ارم و در دو شاخص بعدی «مشارکت مردم» و «حس تعلق ساکنان به محله» میانگین امتیاز در محله ارم بیشتر از محله ناسار است. مقایسه میانگین امتیاز مؤلفه اجتماعی در دو محله نشان می‌دهد که میزان رضایت ساکنان محله ارم از میزان رضایت ساکنان محله ناسار بیشتر است. همچنین

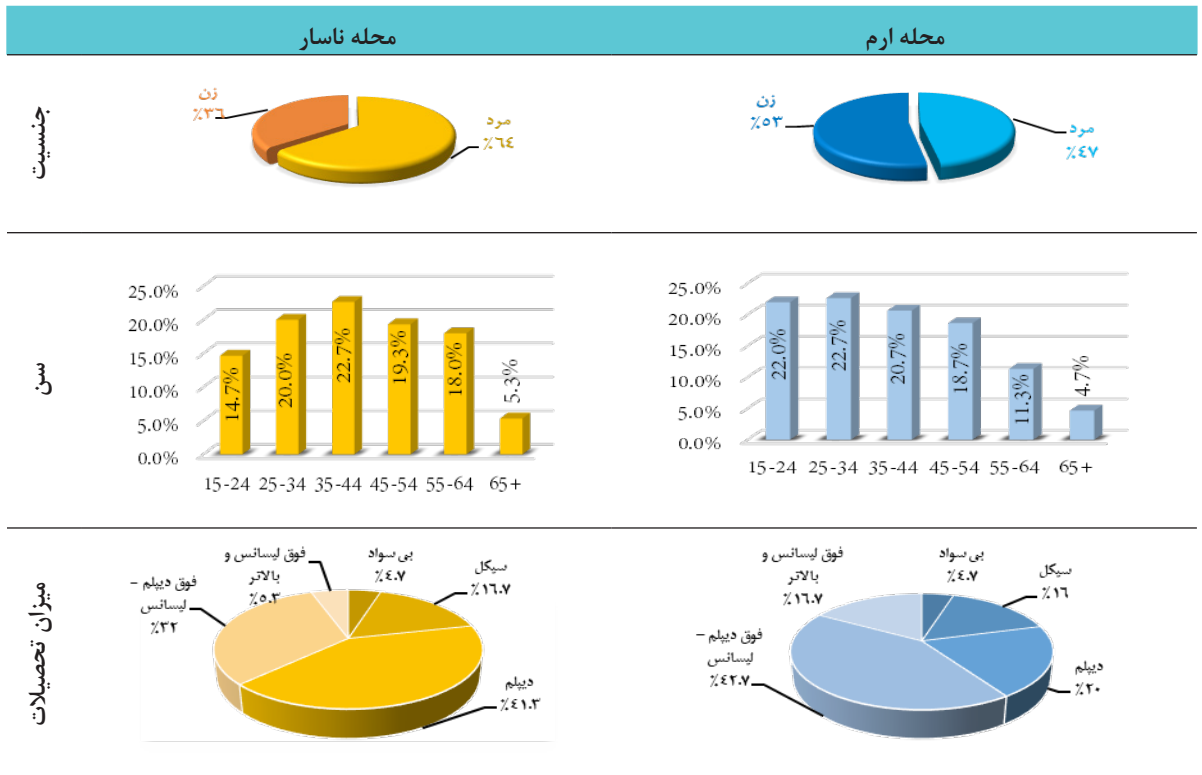
متنوع ساکنین همانند محله قدیمی (ناسار) اشاره نمود. البته محله ارم در فاصله‌ای نزدیک به محله ناسار قرار دارد و از نظر قدمت به گونه‌ای است که نیمی از ساکنین آن بیشتر از یک دهه در این محله زندگی می‌کنند و این عامل باعث می‌شود که شناخت ساکنین و قضاوت‌هایشان از محله به درستی شکل گرفته‌باشد. شکل ۳، موقعیت محدوده محله‌های مطالعاتی را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

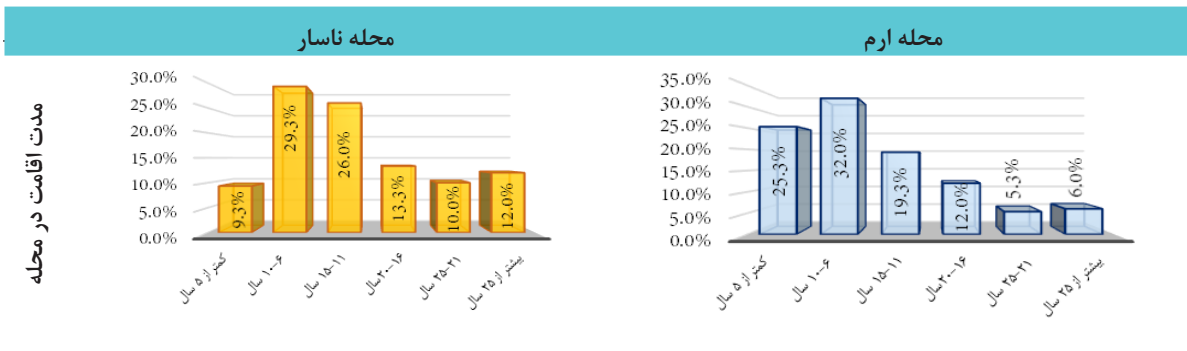
مشخصات توصیفی پژوهش

در این پژوهش، سؤالات اولیه پرسش‌نامه به مشخصات توصیفی (مشخصات عمومی پاسخ‌دهندگان) اختصاص داده شد که شامل

جدول ۳. مشخصات توصیفی دموگرافیک پاسخ‌دهندگان
Table 3. Descriptive demographic characteristics of respondents



ادامه جدول ۳. مشخصات توصیفی دموگرافیک پاسخ دهندگان
Continuie of -Table 3. Descriptive demographic characteristics of respondents



محلۀ مطالعاتی است. با بررسی میانگین امتیازاتی که ساکنین دو محلۀ ناسار و ارم به شاخص‌های مؤلفه امنیت و ایمنی داده‌اند، می‌توان گفت که شاخص‌های «ایمنی در برابر خطرات»، «خوانایی فضا» و «امنیت در برابر جرم» در محلۀ ناسار کمتر از مقدار متوسط (کمتر از عدد سه) و در محلۀ ارم بیشتر از مقدار متوسط است. همچنین شاخص «کیفیت نورپردازی»، در سطح دو محلۀ کمتر از میانۀ نظری قرار دارد ولی میانگین امتیازات آن در محلۀ ارم بیشتر از محلۀ ناسار است. به‌طور کلی می‌توان اشاره کرد میزان رضایت ساکنین محلۀ ارم از شاخص‌های مؤلفه امنیت و ایمنی بیشتر از محلۀ ناسار است. با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، در چهار شاخص مؤلفه مذکور، می‌توان به وجود تفاوت معناداری شاخص‌ها در دو محلۀ اشاره کرد.

میزان رضایتمندی از مؤلفه‌های رویکرد انسان‌گرا

میزان رضایتمندی از هفت مؤلفه انسان‌گرایی (اجتماعی، خدماتی، طراحی، کلیدی، سرزندگی، زیست‌محیطی، امنیت و ایمنی) براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای (از خیلی خوب تا خیلی بد) و برحسب درصد در محلات ناسار و ارم مطابق شکل ۴، نمایش داده شده‌است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

ارزیابی مؤلفه‌های رویکرد انسان‌گرا

آزمون فرضیه: تفاوت معناداری میان میزان تحقق مؤلفه‌های رویکرد انسان‌گرا در سطح دو محلۀ ناسار و ارم وجود دارد. در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه مطرح‌شده و سنجش میزان تحقق رویکرد انسان‌گرایی در سطح دو محلۀ مطالعاتی از آزمون ناپارامتریک «من ویتنی یو^{۱۴}» (به‌دلیل نرمالایز نبودن داده‌ها) استفاده شده‌است. جدول ۵، میانگین رتبه مؤلفه‌ها را به تفکیک محلۀ قدیم و جدید (ناسار و ارم) نشان می‌دهد و چنین نتیجه می‌دهد که مقدار میانگین رتبه مؤلفه‌های مطالعاتی در محلۀ ارم بیشتر از میانگین رتبه در محلۀ ناسار است. همچنین سطح معناداری (sig) در مؤلفه اجتماعی بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده عدم تفاوت معناداری در دو محلۀ است و در شش مؤلفه دیگر به‌دلیل (sig < ۰/۰۵) می‌توان گفت که مؤلفه‌های انسان‌گرایی در سطح محلات در سطح معناداری ۵٪ با یکدیگر متفاوت است. با توجه به سطر آخر جدول ۵، سطح معناداری برابر صفر است (sig = ۰) که معناداری اختلاف مؤلفه‌های انسان‌گرایی در دو محلۀ ناسار و ارم را تأیید می‌کند. همچنین مقایسه میانگین رتبه‌های انسان‌گرایی در محلۀ ارم با میانگین رتبه ۲۰۵/۱۹

سطح معناداری دو شاخص «همبستگی اجتماعی» و «حس تعلق ساکنان محلۀ» کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر وجود تفاوت معنادار در سطح دو محلۀ است و در شاخص «مشارکت مردم» با سطح معناداری (sig > ۰/۰۵)، به عدم تفاوت معناداری در این شاخص مؤلفه اجتماعی اشاره دارد.

میانگین شاخص‌های مؤلفه خدماتی در محلۀ ناسار به‌جز شاخص «امکان خدمات‌رسانی» بیشتر از حد متوسط قرار دارد و در محلۀ ارم، تمامی سه شاخص بالاتر از حد متوسط و بیشتر از میانگین امتیازات در محلۀ ناسار است. با نگاهی کلی، می‌توان گفت میزان رضایت ساکنین محلۀ ارم از شاخص‌های مؤلفه خدماتی بیشتر از محلۀ ناسار است. همچنین با (sig = ۰/۰۰۰)، تفاوت معناداری در سه شاخص مؤلفه مذکور وجود دارد.

بررسی میانگین امتیازات شاخص‌های مؤلفه‌های «طراحی» و «کلیدی» نشان می‌دهد که، میزان رضایت در محلۀ ارم بیشتر از محلۀ ناسار است و با وجود (sig < ۰/۰۵) در شاخص‌های هر دو مؤلفه ذکر شده در سطح دو محلۀ، تفاوت معناداری دیده می‌شود.

در مؤلفه سرزندگی، شاخص‌های «فرصت‌های سرگرمی» و «پیاده‌مداری» با (sig < ۰/۰۵)، تفاوت معناداری دارد و شاخص «بروز فعالیت‌های مختلف» با وجود (sig > ۰/۰۵)، به عدم تفاوت معناداری اشاره دارد. بررسی میانگین امتیازات شاخص‌های نام برده، نمایانگر آن است که در سطح هر دو محلۀ کمتر از حد متوسط اما میانگین امتیازات در محلۀ ارم بیشتر از محلۀ ناسار است. همچنین میانگین امتیازات شاخص‌های «تنوع کاربران» و «اختلاط کاربری‌ها»، در دو محلۀ بالاتر از میانۀ نظری قرار دارد. با توجه به مقدار سطح معناداری شاخص تنوع کاربران با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، دارای تفاوت معناداری است و در شاخص اختلاط کاربری با وجود سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵، به عدم تفاوت معناداری شاخص مذکور در سطح دو محلۀ اشاره می‌کند.

ارزیابی میانگین امتیازات شاخص‌های مؤلفه زیست‌محیطی حاکی از آن است که شاخص «میزان آلودگی‌ها» در محلۀ ناسار کمتر از میانۀ نظری و در محلۀ ارم بیشتر از میانۀ نظری قرار دارد. شاخص «فضای سبز مناسب» در سطح دو محلۀ، کمتر از حد متوسط ولی میانگین امتیازات در محلۀ ارم بیشتر از محلۀ ناسار است و این به معنای نامناسب بودن فضای سبز در هر دو محلۀ است. شاخص‌های «پاکیزگی محیط» و «وضعیت جمع‌آوری زباله» در هر دو محلۀ، بیشتر از مقدار متوسط نظری قرار دارد. وجود سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، نشان‌دهنده وجود تفاوت معناداری چهار شاخص مؤلفه زیست‌محیطی در سطح دو

جدول ۵. رتبه مولفه های رویکرد انسانگرا در سطح محلات ناسار و ارم با آزمون من ویتنی یو

Table 5. Ranking of components of Human-centered approach in Nassar and Eram neighborhoods by mann-Whitney U test

مولفه	Mean Rank		Mann-Whitney U	Wilcoxon W	Z	سطح معناداری (sig)
	محلۀ ناسار	محلۀ ارم				
S اجتماعی	۱۴۹/۴۳	۱۵۱/۵۷	۱۱۰۸۹/۵۰۰	۲۳۴۱۴/۵۰۰	-۰/۲۱۵	۰/۸۲۹
SE خدماتی	۹۹/۰۶	۲۰۱/۹۴	۳۵۳۳/۵۰۰	۱۴۸۵۸/۵۰۰	-۱۰/۳۵۵	۰/۰۰۰
D طراحی	۱۲۱/۲۸	۱۷۹/۷۲	۶۸۶۷/۵۰۰	۱۸۱۹۲/۵۰۰	-۵/۸۸	۰/۰۰۰
P کالبدی	۹۲/۵۶	۲۰۸/۴۴	۲۵۵۸/۵۰۰	۱۳۸۸۳/۵۰۰	-۱۱/۷۴۰	۰/۰۰۰
V سرزندگی	۱۳۱/۳۹	۱۶۹/۶۱	۸۳۸۳/۵۰۰	۱۹۷۰۸/۵۰۰	-۳/۸۳۶	۰/۰۰۰
BE زیست محیطی	۸۹/۹۰	۲۱۱/۱۰	۲۱۶۰/۵۰۰	۱۳۴۸۵/۵۰۰	-۱۲/۱۵۴	۰/۰۰۰
SS امنیت و ایمنی	۹۷/۵۸	۲۰۳/۴۲	۳۳۱۲/۵۰۰	۱۴۶۳۷/۵۰۰	-۱۰/۶۱۲	۰/۰۰۰
مجموع	۹۵/۸۱	۲۰۵/۱۹	۳۰۴۶/۰۰۰	۱۴۳۷۱/۰۰۰	-۱۰/۹۲۱	۰/۰۰۰

جدول ۶. رتبه شاخص های رویکرد انسانگرا در سطح محلات ناسار و ارم با آزمون فریدمن

Table 6. Ranking of indicators of humanistic approach in Nasar and Eram neighborhoods by Friedman test

شاخص	اجتماعی			خدماتی			طراحی			کالبدی		سرزندگی					زیست محیطی				امنیت و ایمنی			
	S1	S2	S3	SE1	SE2	SE3	D1	D2	D3	P1	P2	V1	V2	V3	V4	V5	BE1	BE2	BE3	BE4	SS1	SS2	SS3	SS4
ناسار	۱۹/۷۴	۱۵/۷۲	۱۷/۱۶	۱۷/۷۱	۱۴/۱۹	۱۲/۴۷	۹/۹۸	۱۰/۵۶	۸/۴۶	۱۲/۴۰	۱۲/۰۳	۷/۸۱	۱۲/۹۵	۱۶/۳۳	۱۶/۰۱	۹/۵۴	۹/۳۱	۷/۵۴	۱۳/۹۳	۱۲/۷۲	۷/۲۵	۱۲/۴۹	۱۲/۵۹	۸/۳۴
ارم	۱۳/۱۷	۱۲/۱۵	۱۴/۶۴	۱۷/۴۹	۱۷/۴	۱۴/۳۴	۶/۹۴	۹/۶۱	۸/۸۷	۱۵/۴۹	۱۵/۵۹	۶/۸۷	۸/۳۳	۱۴/۲۲	۱۱/۳۶	۶/۸۷	۱۷/۴۹	۵/۶۱	۱۸/۵۲	۱۶/۳۶	۱۱/۹۴	۱۵/۵۶	۱۴/۴۵	۶/۶۱

جدول ۷. آماره مربع کی و سطح معناداری در محلات ناسار و ارم

Table 7. Ki square statistics and significance level in Nasar and Eram neighborhoods

محلۀ	تعداد	کای اسکوائر	درجه آزادی	سطح معناداری
ناسار	۱۵۰	۹۸۴/۵۰۹	۲۳	۰/۰۰۰
ارم	۱۵۰	۱۳۳۰/۹۰۱	۲۳	۰/۰۰۰

عاملی از قبل تعریف شده را تأیید نماید. به عبارتی دیگر، تحلیل عاملی تأییدی در تلاش است که آیا تعداد عامل ها و بارهای متغیرهایی که روی عامل ها اندازه گیری شده اند با تئوری و مدل نظری که انتظار می رفت، انطباق دارد یا خیر. بنابراین می توان گفت، این نوع تحلیل عاملی به آزمون میزان انطباق و هماهنگی بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می پردازد.

اعدادی که بر روی مسیر سازه ها با یکدیگر نشان داده شده است، ضریب مسیر نامیده می شود. این اعداد بیانگر بتای استاندارد شده در رگرسیون یا ضریب همبستگی دو سازه است و برای بررسی میزان تأثیر مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر به کار گرفته می شود. اعدادی که بر روی مسیر بین سازه ها و معرف ها نمایش داده می شود، نمایانگر بار عاملی است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷).

بطور کلی یک مدل دارای دو بخش است: الف) بخش اندازه گیری که

ناسار شاخص های «همبستگی اجتماعی» و «میزان ایمنی در برابر خطرات» به ترتیب با رتبه ۱۹/۷۴ و ۷/۲۵ بیشترین و کمترین رتبه را در آزمون فریدمن بدست آوردند. همچنین در محلۀ جدید ارم، شاخص «پاکیزگی محیط» با رتبه ۱۸/۵۲ جایگاه اول و شاخص «فضای سبز مناسب» با رتبه ۵/۶۱ جایگاه آخر را کسب کردند. جدول ۷ نیز مقدار آماره مربع کای با درجه آزادی ۲۳ و سطح معناداری آزمون p-value با مقدار صفر را نشان می دهد که تفاوت معنی داری بین میزان تحقق شاخص های رویکرد انسان گرایی در دو محلۀ ناسار و ارم وجود دارد.

برازش مدل و سنجش میزان تأثیر مؤلفه های رویکرد انسان گرا با استفاده از مدل سازی مسیری PLS

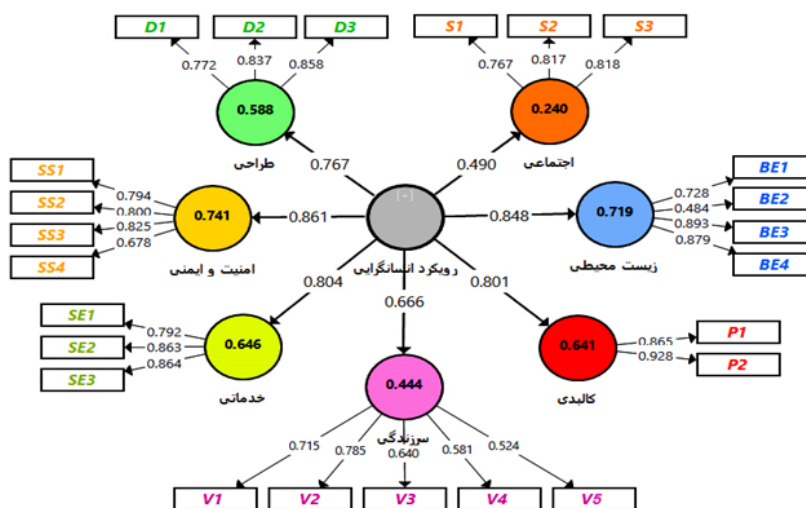
در روش تحلیل عاملی تأییدی، محقق سعی می کند که یک ساختار

در آن رابطه میان گویه‌ها (متغیرهای اندازه‌گیری شده) و سازه‌ها (متغیرهای پنهان) سنجیده می‌شود و از شاخص‌هایی از جمله، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا استفاده می‌شود. بخش ساختاری که در آن رابطه میان سازه‌ها موردسجش قرار می‌گیرد و از ضریب تعیین (R^2) ، شاخص استون - گیسر (Q^2) و در پایان برای برازش کلی مدل از شاخص نیکویی برازش (GOF) استفاده می‌شود. ضریب پایایی ترکیبی (CR) تمامی مؤلفه‌های مورد مطالعه بیشتر از $0/7$ هستند که به معنای پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری پژوهش است. همچنین معیار (AVE) نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر عامل با سؤالات خود است. به عبارتی دیگر AVE میزان همبستگی یک عامل با سؤالات خود را نشان می‌دهد و هر قدر این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. بنابراین با توجه به داده‌های جدول ۸، می‌توان گفت که هفت مؤلفه رویکرد انسان‌گرا به دلیل $(AVE > 0/4)$ همبستگی قابل‌قبولی میان هر سازه

با شاخص‌های خود وجود دارد. ضریب تعیین R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود هرچه مقدار آن مربوط بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. براساس جدول ۸، ضریب تعیین مؤلفه اجتماعی در سطح متوسطی قرار دارد و در شش مؤلفه دیگر در سطح مطلوبی است. معیار Q^2 قدرت پیش‌بینی مدل را تعیین می‌کند و عدد $0/35$ نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی قوی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به نتایج جدول مذکور، این معیار در مولفه سرزندگی در سطح ضعیف اما در شش مؤلفه دیگر در سطح مطلوب و قابل‌قبولی قرار دارد. معیار GOF ، که از آن به عنوان معیار برازش نیکویی یاد می‌شود، جهت برازش کلی مدل ساختاری است و مقدار $0/36$ به عنوان مقدار قوی معیار GOF محسوب می‌شود. در این پژوهش، این معیار $0/603$ به دست آمده که بسیار مطلوب است. با توجه به شکل ۵، مقدار ضریب مسیر یعنی اعدادی که بین دو سازه (متغیر پنهان دایره شکل)، نشان‌دهنده ضریب همبستگی

جدول ۸. سنجش معیارهای بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش
Table 8. Assessing the criteria of the measurement and structure of the research model

معیار نیکویی برازش (GOF)	بخش ساختاری		بخش اندازه‌گیری			مؤلفه	کد مؤلفه
	معیار استون - گیسر (Q^2)	ضریب تعیین (R^2)	میانگین واریانس استخراجی ($AVE > 0/4$)	ضریب پایایی ترکیبی ($CR > 0/7$)	آلفای کرونباخ ($Alpha > 0/7$)		
0/603	0/286	0/240	0/641	0/843	0/735	اجتماعی	S
	0/394	0/646	0/706	0/878	0/791	خدمت‌اتی	SE
	0/349	0/588	0/678	0/863	0/764	طراحی	D
	0/353	0/641	0/804	0/891	0/760	کالبدی	P
	0/180	0/444	0/430	0/787	0/668	سرزندگی	V
	0/339	0/719	0/584	0/842	0/736	زیست محیطی	BE
	0/342	0/741	0/603	0/858	0/778	امنیت و ایمنی	SS



شکل ۵. مدل ساختاری پژوهش با ضرایب استاندارد شده

Figure 5. Structural model of research with standardized coefficients

که خود این عامل سبب استمرار فعالیت‌های اقتصادی و سرزندگی محله نیز می‌شود. اما همچنان نیاز به فضای سبز محله‌ای در محله ارم حس می‌شود، زیرا ساکنین این محله رضایت چندانی از شاخص «فضای سبز مناسب» نداشتند، هرچند که شاخص مذکور در محله ناسار نیز شرایط مطلوبی ندارد. بنابراین باید در سطوح برنامه‌ریزی محله‌ای جهت توسعه فضای سبز اقدام نمود.

محله‌ها در گذشته علاوه بر دارا بودن محیط کالبدی و فیزیکی جذاب، از شرایط فرهنگی و اجتماعی مطلوبی برخوردار بودند. به عبارتی دیگر، محلات قدیمی در گذشته محلاتی انسانی‌تر بودند و به نیازها و خواسته‌های شهروندان پاسخ می‌دادند. اما امروزه برخی از مؤلفه‌های زیست‌محیطی، کالبدی، طراحی و میزان امنیت و ایمنی در این محلات دچار افول شده‌اند. هرچند که انتظار می‌رود محلات قدیمی انسان‌گراتر از محلات جدید باشند، اما بی‌توجهی به مسائل محله‌های قدیم، عدم رسیدگی به شرایط کالبدی و میزان امنیت و ایمنی سبب شده تا بسیاری از این مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم در این محلات رو به افول بروند. که در این پژوهش نیز مشهود است. براین اساس با توجه به نتایج پژوهش و دیدگاه‌های ساکنین دو محله ناسار و ارم، مؤلفه «امنیت و ایمنی» بیشترین تأثیر را بر تحقق رویکرد انسان‌گرا در یک محله شهری دارد و باید در برنامه‌ریزی‌ها علاوه بر توجه بر سایر مؤلفه‌ها و عوامل مهم در محلات شهری، ایجاد ایمنی معابر و ساختمان‌ها، نظم عمومی، امنیت اهالی محله را در اولویت قرار داد تا دستیابی به یک محله انسان‌گرا اثربخش باشد.

براساس نتایج جدید به‌دست آمده در این پژوهش، در ارتباط با میزان تعمیم‌پذیری نتایج اصلی می‌توان بیان نمود، در اکثر شهرهای ایران که دارای محلاتی با بافت ارزشمند تاریخی و بافت جدید شهری هستند، تفاوت معناداری بین اینگونه محلات وجود دارد. البته با توجه به اینکه بین ویژگی‌ها و نظرات مردم ساکن در محلات مورد مطالعه شهر سمنان با ساکنین سایر محلات در دیگر شهرها به‌ویژه در مناطق غیرکویبری تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد، باعث دشواری در تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش خواهد شد؛ زیرا عواملی مانند سن، میزان تحصیلات ساکنین، مدت اقامت در محله و شرایط اقلیمی، محیطی بر آن تأثیر می‌گذارند. اما به‌طور کلی می‌توان ذکر نمود که در شهرهای مشابه شهر سمنان، محلاتی جدیدی که براساس برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب شکل گرفته‌اند و امکانات و خدمات شهری مطلوبی را در اختیار ساکنین قرار می‌دهد در مقایسه با محله‌های قدیمی که با فرسودگی، عدم توسعه زیرساخت‌ها متناسب با نیازهای ساکنین، نبود خدمات مناسب شهری روبرو هستند، محله‌های بهتر و انسانی‌تر به‌شمار می‌روند. همچنین جهت تحقق محله‌ای انسان‌گرا لازم است تا مولفه امنیت و ایمنی توسط برنامه‌ریزان شهری ارتقاء یابد. زیرا امنیت در کنار ایمنی یکی از نیازهای ضروری انسان محسوب می‌شود و با حضور آن سایر عوامل انسان‌گرا مانند سرزندگی اجتماعی، حضورپذیری مردم در فضای شهری، حس تعلق به مکان معنا می‌یابند که این موضوع در تمامی محلات شهری صدق می‌کند. در محلات قدیمی به‌دلیل قدمت بالا و شناخت نسبی ساکنین از یکدیگر با وجود مشکلات متعدد در آن، همبستگی اجتماعی مطلوب است اما همان‌طور که اشاره شده به سبب فرسودگی بافت و عدم رسیدگی به مشکلات کالبدی، میزان ایمنی در محله‌های قدیمی همانند محله ناسار و سایر محلات مشابه آن دارای مشکلات اساسی هستند. در محلات جدید نیز به‌دلیل نوبنیاد بودن، قدمت کم این محله‌ها در مقایسه با محلات قدیم و وجود تجهیزات و امکانات عمومی از محیطی

بین دو سازه است. بنابراین میتوان میزان تاثیر هفت مؤلفه رویکرد انسان‌گرا را به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته یعنی رضایت‌مندی از رویکرد انسان‌گرا ارزیابی نمود. بر همین اساس مؤلفه «امنیت و ایمنی» با مقدار ضریب مسیر ۰/۸۶۱ دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه‌های زیست‌محیطی، خدماتی، کالبدی، طراحی و مؤلفه سرزندگی به ترتیب با ضرایب مسیر ۰/۸۴۸، ۰/۸۰۴، ۰/۸۰۱، ۰/۷۶۷ و ۰/۶۶۶ در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد. همچنین مؤلفه اجتماعی با مقدار ضریب برابر با ۰/۴۹۰ کمترین تأثیر را بر رضایت از رویکرد انسان‌گرا دارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مقایسه تطبیقی مؤلفه‌ها و شاخص‌های رویکرد انسان‌گرا در محلات ناسار و ارم شهر سمنان، نتایج به‌دست آمده نمایانگر آن است که بطور کلی تفاوت معناداری بین این دو محله وجود دارد و محله جدید ارم نسبت به محله قدیمی ناسار، مطلوب‌تر و انسان‌گراتر است. از میان هفت مؤلفه رویکرد انسان‌گرا (اجتماعی، خدماتی، طراحی، کالبدی، سرزندگی، زیست‌محیطی، امنیت و ایمنی)، در محله ناسار بیشترین میزان رضایت از مؤلفه «اجتماعی» و در محله ارم این میزان از مؤلفه «خدماتی» در حداکثر است و در هر دو محله مؤلفه «طراحی» در حداقل رضایت‌مندی قرار دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که در محله ناسار، شاخص «همبستگی اجتماعی» بیشترین و شاخص «میزان ایمنی در برابر خطرات» کمترین امتیاز را به‌دست آوردند. در محله ارم نیز، شاخص‌های «پاکیزگی محیط» و «فضای سبز مناسب» به ترتیب بیشترین و کمترین امتیاز را کسب نمودند.

با توجه به اطلاعات حاصل از امتیازات شاخص‌های انسان‌گرایی در محله ناسار، می‌توان گفت از همبستگی اجتماعی و روابط همسایگی بالا یکی از مؤلفه‌های اصلی هویتی محله‌های تاریخی در کشورمان بوده‌است که در عین حال از شاخص‌های اصلی محله انسان‌گرا نیز می‌باشد و از دلایل مطلوبیت این عامل در این محله، مدت اقامت بالای سکونت است به گونه‌ای که حدوداً ۶۱ درصد از ساکنین آن، ۱۰ سال و بیشتر در محله ناسار سکونت دارند. هرچند شاخص «همبستگی اجتماعی» در محله ارم نیز با تفاوت ناچیز کمتر از محله ناسار است. اما به طبع با توجه به ارزشهای موجود در بافت تاریخی و سنتی در محله ناسار و خاطره‌جمعی ایجاد شده، حس تعلق به محله، حفظ ارتباط بین ساکنین و پیوند اجتماعی آنان با یکدیگر باعث برتری این شاخص در این محله شده‌است. اما به دلیل فرسودگی بافت محله ارزشمند قدیمی و عدم توجه به استانداردها در برنامه‌ریزی کالبدی شهر و عدم رسیدگی و رعایت اصول ایمنی معابر و ساختمان‌های فرسوده، ایمنی گذرگاه‌ها، ایمنی منازل در برابر زلزله و ایمنی ساکنین ناتوان نظیر معلولین، سالمندان، کودکان و زنان در محله ناسار، سبب رضایتمندی نامطلوب ساکنین اینگونه محلات از شاخص «میزان ایمنی در برابر خطرات» شده‌است. علاوه بر این، ایجاد نارضایتی ساکنین در چنین محلاتی موجب می‌گردد تا هویت و برند محله‌های قدیمی ایرانی به عنوان محله‌های انسان‌گرا خدشه‌دار شود و این مسئله موجب جایگزینی گروه جمعیتی کم‌بهره‌مند در این محلات می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل در محله ارم نیز می‌توان بیان نمود که این محله نمونه‌ای از محله‌های انسان‌ساخت دوران معاصر است که با گذشت بیش از ۳۰ سال از احداث آن، از لحاظ شکل کالبدی و محیطی از محله‌های مطلوب و موفق شهر سمنان به‌شمار می‌رود. این محله، به‌دلیل شکل‌گیری براساس برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌ریزان شهری و برخورداری از امکانات مناسب، دارای محیطی پاکیزه و سالم است

بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران.

۸. زرفشان، عطاءاله؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ نصیری، اسماعیل؛ و موسی کاظمی، سیدمهدی. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی محلات انسان‌محور با تاکید بر مؤلفه‌های پیاده‌محوری و اختلاط کاربری اراضی (نمونه موردی: بافت‌های سنتی، مدرن، خودرو کلانشهر تبریز). *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴(۷۱)، ۱۹۹-۱۷۳.

۹. دانشپور، سیدعبدلهدی؛ و سالاری‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). اولویت‌بندی راهبردهای ارتقا دل‌بستگی کودکان به محله گل‌سار شهر رشت با استفاده از QFD. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۱)، ۱۳۷-۱۱۹.

۱۰. سالاری‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). بررسی فرایند دل‌بستگی کودکان به محله (مطالعه محله: گل‌سار شهر رشت). *دانش شهرسازی*، ۲(۱)، ۳۹-۲۳.

۱۱. ستارزاده، داریوش؛ نقی زاده، محمد؛ و حبیب، فرح. (۱۳۸۷). فضای شهری، اندیشه‌های اجتماعی. *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۲(۴)، ۱۷۳-۱۸۳.

۱۲. سرایی، محمدحسین؛ اشنویی، امیر؛ و روستا، مجتبی. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص‌های تعلق مکانی ساکنان بافت قدیم شهر کاشان. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۷(۲)، ۳۴-۱۷.

۱۳. شوای، فرانسواز. (۱۳۹۰). *شهرسازی: تخیلات و واقعیات*. (سیدمحسن حبیبی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۵).

۱۴. فنی، زهره؛ و نجفی، سعید. (۱۳۹۷). ارزیابی تاثیر شهروندان بر کیفیت زندگی محلات شهری با تاکید بر جنسیت (مطالعه‌موردی: محلات کارمندان و اسلام آباد شهر زنجان). *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۰(۱۹)، ۴۸-۲۷.

۱۵. کاشانی‌جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. *هویت شهر*، ۴(۶)، ۱۰۶-۹۵.

۱۶. لینچ، کوین. (۱۳۹۲). *سیمای شهر*. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۰).

۱۷. منصوری، مریم‌السادات. (۱۳۹۲). بعد فراموش شده: انسانگرایی؛ ویژگی گم‌شده فضاهای جمعی امروز در تهران (نمونه موردی: پیاده‌راه ۱۷ شهریور). *منظر*، ۵(۲۴)، ۳۵-۳۲.

۱۸. هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل*. تهران: انتشارات سمت.

۱۹. هاشمی، سید یوسف؛ و قانع‌پور، پریا. (۱۳۹۵). ساماندهی و طراحی فضای شهری با رویکرد مقیاس انسانی. *چهارمین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران*، تهران.

20. Ammar Sharif, A. (2020). User activities and the heterogeneity of urban space: The case of Dahiyat Al Hussein park. *Frontiers of Architectural Research*, 9(4), 837-857.

پاکیزه برخوردار است. اما یکی از مشکلات موجود در شهرهای ایران، کمبود فضای سبز شهری و محله‌ای می‌باشد که هم در محلات جدید و هم محلات قدیم مشهود است.

پی‌نوشت‌ها

- Patrick Geddes
- Marcel Poete
- Lewis Mumford
- Jacobs
- Rapoport
- Carmona
- Magalhaes
- Lynch
- Appleyard
- Glaster & Hesser
- Barker
- Bentley
- Cooper
- Mann-Whitney U
- Friedman test
- Coefficient of Determination
- Stone-Geisser Criterion
- Goodness Of Fit
- Composite Reliability
- Average variance extracted

فهرست مراجع

- امانیپور، سعید؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ و زارعی، جواد. (۱۳۹۵). سنجش شاخص‌های رویکرد انسانگرا در برنامه‌ریزی محلات نوین تبریز (مطالعه‌موردی: محله باغچیان). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۳(۴)، ۲۱-۱.
- احمدی، قادر؛ و نادری‌کروندان، سونیا. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در محلات بافت جدید و قدیم شهری (نمونه‌موردی: محله شهرک قدس و قطارچیان شهر سنندج). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۲(۸)، ۸۱-۷۱.
- براتی، ناصر. (۱۳۹۱). محله‌گرایی در تهران: گامی به سوی شهر انسانگرا. *منظر*، ۴(۱۸)، ۶۶-۶۶.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۹). *ساختن شهرهای مردم‌پسند: ارتقاء محیط عمومی در شهرهای کوچک و بزرگ*. (مروارید قاسمی اصفهانی، مترجم). تهران: انتشارات روزنه. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۱).
- حسینی، سید فخرالدین؛ و سلطانی، مهرداد. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر. *باغ نظر*، ۱۵(۶۰)، ۲۸-۱۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ محمدی‌سلمانی، منصوره؛ و حیدری، اصغر. (۱۳۹۷). ارزیابی مؤلفه‌های رضایتمندی از فضاهای عمومی محله بهارستان شهر تهران. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۱)، ۶۲۴-۶۰۶.
- رجبی، آریتا؛ و مقدسی رستمی، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه انسان در شکل‌گیری سکونتگاه‌های شهری با تاکید بر شهر انسان‌محور. *کنفرانس*

21. Akimoto, F. (2009). Lewis Mumford's City and Regional Planning Ideas Revisited. *Thirteenth National Conference on Planning History*, Oakland, California.
22. Choi, J., Kim, S., Min, D., Lee, D., & Kim, S. (2015). Human-centered designs, characteristics of urban streets, and pedestrian perceptions. *Journal of Advanced Transportation*, 50, 120-137.
23. Good, R. M., Rivero, J. J., Zitcer, A., Umemoto, K., Lake, R. W., Baum, H., Forester, J., Harrison, P. (2017). Confronting the challenge of humanist planning/Towards a humanist planning/A humanist perspective on knowledge for planning: Implications for theory, research, and practice/To learn to plan, write stories/Three practices of humanism and critical pragmatism/Humanism or beyond?. *Planning Theory & Practice*, 18(2), 291-319.
24. Oidjarv, H. (2018). The tale of two communities: Residents' perceptions of the built environment and neighborhood social capital. *Sage Open*, 8(2).
25. Izadi, M., Varesi, H., & Vardanjani, M. J. (2021). An analysis of key factors affecting new town planning with a human-centred approach. *Bulletin of Geography.Socio-Economic Series*, 53(53), 131-145.
26. Maslow, A. H. (1968). *Towards a Psychology of being*. New York: D. Van Nostrand Company.
27. Mouratidis, K. (2020). Neighborhood characteristics, satisfaction, and well-being: the links with neighborhood deprivation. *Land use policy*, 99.
28. Marans, R. W., & Stimson, R. J. (2011). *An Overview of Quality of Urban Life*. In: Marans, R. W., Stimson, R. J. (eds.), Investigating quality of urban life: Theory, methods, and empirical research. 1, 1-29. Springer, Dordrecht.
29. Pereira, P. C. M. D. S., & Alves, F. M. B. (2011). The Eulogy of Urbanity: A critical perspective intersecting urban planning and philosophy. *Cultura*, 28, 217-236.
30. Reyes-Riveros, R., Altamirano, A., De la Barrera, F., Rozas-Vasquez, D., Vieli, L., & Meli, P. (2021). Linking public urban green spaces and human well-being: A systematic review. *Urban Forestry & Urban Greening*, 61.
31. Smith, M.E. (2011). Classic Maya Settlement Clusters as Urban Neighborhoods: A Comparative Perspective on Low-Density Urbanism. *Journal de la Societe des Americanistes*, 97(1), 51-73.
32. Smith, M.E. (2010). The archaeological study of neighborhoods and districts in ancient cities. *Journal of Anthropological Archaeology*, 29(2), 137-154.
33. Ulmer, J.M., Wolf, K.L., Backman, D.R., Tretheway, R.L., Blain, C.J.A., O'Neil-Dunne, J.P.M., & Frank, L.D. (2016). Multiple health benefits of urban tree canopy: the mounting evidence for a green prescription. *Health & Place*, 42, 54-62.
34. York, A. M., Smith, M. E., Stanley, B. W., Stark, B. L., Novic, J., Harlan, S. L., Cowgill, G. L., & Boone, C. G. (2010). Ethnic and Class Clustering through the Ages: A Transdisciplinary Approach to Urban Neighbourhood Social Patterns. *Urban Studies*, 48(11), 2399-2415.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

